

تحلیلی رفتاری - مدیریتی بر گریه شجاعانه و سلفی سفیهانه در مجلس



پس از مراسم تحلیف رئیس جمهور، در صحن علنی رفتار بهت انگیز برخی از نمایندگان برای گرفتن عکس سلفی با موگیرینی بازتاب های مختلفی در پی داشت. این نوشتار سعی دارد تا با ارائه تحلیلی رفتاری - مدیریتی به لحاظ علمی به کنکاش حول این موضوع پردازد.

مردم سالاری همواره یکی از

ارکان پر اهمیت نظام جمهوری اسلامی بوده است. رهبران نظام اسلامی همواره بر مردم سالاری و بعد جمهوریت نظام در کنار بعد اسلامیت آن تاکید داشته اند. ساز و کار انتخابات برای عملیاتی کردن این اهتمام در قانون اساسی تعبیه شده است. مردم عزیز نیز همواره در معاونت و تلبیه به دعوت رهبران خود در صحنه حاضر بوده اند و در انتخاب ها و عرصه های دیگر حضور چشمگیری داشته اند.

با تقریری مدیریتی - رفتاری میتوان عرصه انتخابات را تعبیر به عرصه تصمیم گیری نمود. ادبیات مدیریتی کارایی و اثربخشی یک تصمیم را با دو رویکرد پیشینی و پسینی بررسی می کند. در سنجش پیشینی ملاک - های تصمیم گیری است که مطلوبیت یک تصمیم را مشخص می نماید؛ به همین خاطر رهبر انقلاب (مدظله العالی) پیش از هر انتخاباتی به تبیین ملاک های نامزد اصلح می پردازند تا انتخاب امت از مطلوبیت بیشتری برخوردار گردد. در فضای پسینی نیز اینکه تا چه حد یک تصمیم در مقام عمل صائب بوده است، مدنظر قرار می گیرد و میزان دستیابی به نتیجه مطلوب است که سنجه و محک یک تصمیم خواهد بود.

صاحب نظران مدیریت معتقدند که در نظر گرفتن ملاک پیشینی در تصمیم گیری میتواند با تقریبی، مطلوبیت نتایج تصمیم گیری را مشخص نماید. ملاک های تصمیم گیری در هر جامعه ای متناسب با هنجارهای آن جامعه تعیین میگردد. به طور مثال در ایالات متحده، ژست کابوی

گرفتن، حمایت بازیگران و افراد مشهور و سرمایه داران به انضمام سوابق فردی از جمله ملاک هایی به حساب می آید که یک آمریکایی برای انتخاب نماینده خود در هر سطحی در نظر می گیرد؛ بدیهی است که در جامعه مسلمان معیارهای تصمیم گیری باید اسلامی باشد و به تعبیر بهتر تصمیم گیری باید حجیت محور صورت گیرد. در ابتدای انقلاب با نزدیک بودن فضای جامعه به آرمان ها و فایده ای دفاع مقدس بیشتر مردم را به تصمیم گیری بر این مبانی سوق می داد، لذا در نظر گرفتن این ملاک ها سبب شد دولتی بر سر کار آید که به خوبی جنگ را اداره می کرد و نمایندگان در مجلس قرار داشتند که به قوت و قدرت شهرت داشتند، نمایندگان مثل آیت الله خامنه ای، هاشمی رفسنجانی، پرورش و... با فاصله گرفتن از این فضا و التقاطی شدن فرهنگ جامعه، ملاک های دیگری مثل ملاک های غربی جایگزین ملاک های ارزشی شد تا حدی که تصمیم گیری حجیت محور به تصمیم گیری بر مبنای «تکرار می کنم» تبدیل گردید و در نتیجه مجلسی روی کار آمد که افتخار نمایندگان آن سلفی گرفتن با مذاکره کننده سیمان ریختن در قلب راکتور، می باشد و تقدیر از آقای ظریف برای پیروزی در مذاکره با ایشان بوده است!

از طرف دیگر، معیار پسینی همانطور که از اسم آن پیداست، بعد از تصمیم گیری به ارزیابی نتایج حاصل از آن می پردازد و مطلوبیت تصمیم را در گرو مطلوبیت نتایج آن بررسی می نماید. حال با در نظر گرفتن این معیار اگر بخواهیم تنها انتخابات مجلس را در بونه ارزیابی قرار دهیم، با مقایسه دو دوره از ادوار مجلس میتوان مدعی شد که به طور قطع مجلسی که در آن نمایندگان برای تصویب برجام و عدم رعایت حداکثری منافع ملت گریه می کنند و یا نمایندگان که با بصیرت تمام رأی به عدم صلاحیت فردی مثل بنی صدر می دهند با مجلسی که در آن افتخار نمایندگان سلفی گرفتن با خانم امنیتی اروپا و یا تماس با کنگره شیطان بزرگ است، برابر نیست و مطلوبیت یکسانی ندارد. البته با تغییر ملاک تصمیم گیری و پررنگ شدن ملاک های غیراسلامی، پیش آمد چنین فضایی در بین نمایندگان مردم، دور از ذهن نیست.

با در نظر گرفتن این ابزار مدیریتی-رفتاری در تحلیل روند انتخاب های اخیر، شاید بتوان ادعا کرد که نه به لحاظ ملاک های پسینی و نه به لحاظ ملاک ها پیشینی، تصمیم گیری انتخاباتی جامعه نمره قابل قبولی اخذ نمی کند، لذا باید همانطور که جامعه به بلوغ شرکت در عرصه سیاسی و تعیین سرنوشت دست پیدا کرد، در عرصه ملاک های انتخاب، به بلوغ انتخاب عقلایی رشد پیدا کند تا شاید چنین وقایع تلخی در عرصه های کلان کشوری نباشیم.

